



روزنامه سراسری
صبح ایران

کم لطفی قوا در امر وحدت

ضرورت رعایت وحدت و تلاش برای تحکیم انسجام جامعه که در دوران جنگ به اوج خود رسیده بود، از جمله محورهای پرتکرار در پیام‌های رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای طی ماه‌های اخیر بوده است. در این میان، مردم با وحدت مثال‌زدنی خود به‌ویژه حضور پرشور در اجتماعات وحدت‌بخش شبانه، توانستند در عمل به فرمان رهبری سربلند باشند اما رویکرد برخی مسئولان در این زمینه قابل دفاع نیست؛ مخصوصاً آنکه رهبر انقلاب، سهم مسئولان و دلسوزان کشور را برای پرهیز از تفرقه، "مهمتر" و حساس‌تر توصیف کرده بودند.

۳



سناریوی کودتا؟



US Dollar
USD

↑10.4K

255,200



Euro
EUR

↑10.85K

289,200



Emami
EMAMI

↑8M

255_M



Mithqal
MITHQAL

↑3.42M

109.3_M

قیمت دلار در بازار غیررسمی دیروز (سه‌شنبه)

در حالی از مرز ۲۵۵ هزار تومان گذشت که در آغاز به کار دولت چهاردهم (۳۱ مرداد ۱۴۰۳)، ۵۸ هزار و ۴۱۰ تومان بود. قیمت دلار به عنوان دماسنج بازار ارزی این مدت (۷۷۰ روز عملکرد دولت پزشکیان)، حدود ۱۹۴ هزار و ۵۰۰ تومان معادل ۳۳۴ درصد افزایش یافته است؛ به بیان ساده‌تر، قیمت دلار در این دوره بیش از چهار برابر شده است. این جهش البته در خلأ رخ نداده است، چرا که تحریم‌ها، ریسک‌های سیاسی، جنگ و مذاکرات بی سرانجام، بر بازار اثر گذاره بوده و جهش ناگهانی این روزهای ارز، تکرار کودتای دیماه ۱۴۰۴ را محتمل کرده است.

۴



هشدار نمایندگان مجلس به وزیر علوم
مواخذه سیمایی صراف
بابت آشوب در دانشگاه‌ها

۲

گستاخی جدید امارات درباره جزایر ایرانی
جسارت امارات در سایه
ساده اندیشی دولت

۷



فرا تر از یک پرونده قضایی

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی
معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم

صدور حکم حبس برای حجت‌الاسلام والمسلمین رسایی (بنده در دو دوره هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی در خدمت ایشان بودم و اذعان می‌کنم که هم در آن زمان و هم اکنون، از نمایندگان انقلابی مؤثر بوده و هستند)، بار دیگر یکی از مسائل مهم و کمتر مورد توجه در نظام حقوقی و سیاسی کشور را در معرض بحث قرار داده است؛ مسئله‌ای که فراتر از شخص، گرایش سیاسی یا موضوع پرونده، به نسبت میان اجرای احکام قضایی و استمرار ایفای مسئولیت‌های ناشی از رای مردم بازمی‌گردد.

متن کامل در صفحه ۳

صفحه ۵

اقتصادی

دستمزد در تعقیب تورم

حداقل دستمزد در سال جاری با افزایش ۶۰ درصدی به ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان رسید، اما سال به نیمه نرسیده بود که، تورم نقطه‌به‌نقطه خانوار به ۸۹ درصد و تورم سالانه به ۶۹.۹ درصد رسید. در همین مدت، تورم خوراکی‌ها به ۱۲۷.۵ درصد رسید.

صفحه ۶

بین‌الملل

سراب آزادسازی اموال بلوکه شده

یکی از پرتکرارترین مطالبات برآورده نشده ایران آزادسازی اموال بلوکه شده ایران است. اما سابقه رفتار آمریکا در قبال این درخواست، یک گزینه جدی را مطرح می‌کند و آن اینکه واشنگتن از آن به عنوان ابزار فشار از آن استفاده کرده است و اخیراً از آن به عنوان ابزار تهدید استفاده می‌کند.

تعدادی از نمایندگان مجلس نسبت به انفعال و تاخیر وزارت علوم در رسیدگی به تخلفات سال گذشته اغتشاش‌گران هشدار دادند

مواخذه سیمایی صراف بابت آشوب در دانشگاه‌ها

با عوامل آشوب و هنجارشکن زمستان ۱۴۰۴، نگرانی‌ها و ضرورت برخورد قاطع با عوامل آشوب را دو چندان کرده است. موضوعی که طی روزها و ماه‌های اخیر مورد مطالبه و دغدغه تعدادی از نمایندگان مجلس بوده است.

در شرایطی که دشمن آمریکایی-صهیونیستی در تدارک یک آشوب سازمان یافته در کشور است و در همین راستا حساب ویژه‌ای روی دانشگاه‌ها باز کرده است. عملکرد ضعیف و منفعلانه وزارت علوم بویژه شخص سیمایی صراف در برخورد



از تسامح با عوامل قانون‌شکن و برخورد با آنان در سال جدید تحصیلی شد. در همین راستا، علیرضا منادی سفیدان، رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی، نیز در حاشیه نشست کمیسیون آموزش مجلس با وزیر علوم که ۳۱ شهریورماه سال جاری برگزار شد، گفته بود که در این نشست ۱۷ سؤال از وزیر علوم مطرح شده است. به گفته منادی، بیشتر نمایندگان از پاسخ‌های ارائه‌شده قانع شدند و برخی نمایندگان نیز برای رفع ایرادات و انجام اقدامات مورد مطالبه خود به وزیر علوم مهلت دادند.

گفتنی است، حوادث روز دوشنبه ۶ مهرماه در دانشگاه علامه طباطبائی نیز بر نگرانی‌ها نسبت به احتمال تکرار آشوب‌های زمستان ۱۴۰۴ افزوده و در عین حال، مطالبه برای شناسایی و برخورد با عوامل آشوب دانشگاه‌ها را دوچندان می‌کند.

امیرحسین ثابتی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی نیز پیش از این درباره انفعال وزارت علوم در برخورد با آشوب‌طلبان در دانشگاه اظهار داشته بود: «دانش‌جو‌نمایی که یک هفته قبل از جنگ رمضان در دانشگاه‌ها پرچم رژیم صهیونیستی و شیرو خورشید را بالا بردند با ارسال پالس به آمریکا و اسرائیل برای شروع جنگ، در ریخته شدن خون همه کسانی که در جنگ به شهادت رسیدند شریک هستند لذا اخراج آنها کافی نیست و وزارت علوم باید از قوه قضائیه اشد مجازات برای آنها را مطالبه کند و در این باره منفع‌ل نباشد.»

مراجع عالی امنیتی در ۲۲ شهریورماه به شما ابلاغیه داشته باشند؟»

وی در بخش دیگری از سخنان خود خواستار ارائه آمار دقیق پرونده‌های تشکیل‌شده برای عوامل اصلی این اغتشاشات در کمیته‌های انضباطی دانشگاه‌های مختلف شد و گفت این آمار باید به تفکیک هر دانشگاه و همراه با احکام قطعی صادرشده، به صورت مستند و شفاف ارائه شود.

نجابت همچنین با اشاره به گزارش‌هایی درباره برخی احکام انضباطی صادرشده در دانشگاه‌ها در کمیته مرکزی انضباطی سازمان تأیید نشده و در آستانه نقض قرار دارد یا جلسات بررسی آنها به تعویق می‌افتد. تمهیدات وزارت علوم برای جلوگیری از تسامح با عوامل قانون‌شکن و برخورد قاطع با آنان، به‌ویژه در آستانه سال جدید تحصیلی چیست؟»

نجابت همچنین به نقش برخی اعضای هیئت علمی در وقایع مورد اشاره پرداخت و گفت: «مستندات نشان می‌دهد معدودی از اعضای هیئت علمی در این وقایع به جای آرام کردن فضا، عملاً در نقش پیاده نظام میدانی دشمن عمل کرده و علاوه بر تلاش برای انحراف فکری دانشجویان، به التهاب دامن زدند.» وی در همین زمینه از وزیر علوم درباره برنامه وزارتخانه برای «مهار، برخورد قانونی و عنداللزوم لغو قرارداد» این دسته از اساتید سؤال کرد و همچنین خواستار تشریح برنامه وزارت علوم برای جلوگیری

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

در شرایطی که استیضاح بیش از ده وزیر طی دو سال گذشته به‌خاطر ممانعت هیأت رئیسه و رئیس مجلس به سرانجام نرسیده، تذکرات نمایندگان به وزرا در موضوعات مختلف شدت گرفته است. روح‌الله نجابت، نماینده مردم شیراز و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ضمن انتقاد از عملکرد وزیر علوم، پرسش‌هایی را درباره نحوه برخورد با عوامل تحرکات ساختارشکنانه در دانشگاه‌ها مطرح کرد.

نجابت در بخشی از سخنان خود به توضیحات وزیر علوم درباره وقایع زمستان ۱۴۰۴ اشاره کرد و با طرح پرسش از وزیر علوم گفت: «برای ریشه‌کن کردن تحرکات مخرب عوامل مغل نظم در دانشگاه که خسارت‌های مادی و معنوی متعدد به کشور وارد کردند، چه تدابیر مشخص سلبی و پیشگیرانه‌ای اندیشیده‌اید؟» نجابت همچنین با اشاره به اظهارات وزیر علوم در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس مبنی بر اینکه ابلاغ برخورد با تعدادی از دانشجویان در تاریخ ۲۲ شهریورماه از سوی مراجع عالی امنیتی به وزارت علوم صورت گرفته است، پرسید: «آقای وزیر! سؤال مشخص بنده این است که چرا طی این ۸ ماه، خود شما و زیرمجموعه‌های وزارت علوم، رؤسای دانشگاه‌ها، کمیته‌های انضباطی و سازمان امور دانشجویان تدبیری نکردید که تازه

خبر کوتاه

راستینه: قالیباف نباید اختلافات را به تنازع و تفرقه تبدیل میکرد

نماینده مردم شهرکرد در مجلس شورای اسلامی در حساب کاربری خود در واکنش به اقدام خلاف وحدت قالیباف نوشت: وظیفه رئیس مجلس دفاع از شأن و جایگاه مجلس است، منتظر بودم امروز رئیس در نطق پیش از دستور درباره شأن و جایگاه مجلس هم نکاتی را بگوید. آقای قالیباف باور کردنی نیست که برای موضوعی که به سه سال پیش برمی‌گردد و خود به حقیقت آن موضوع آگاهید، همکار خود را روانه زندان کنید آنهم در روزگاری که ملت مبعوث هر شب در میدان ایستاده است و امام جامعه سفارش کرده اند که اختلاف‌های غیر موجه و حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنید. همکار شما یکی از همان ملت مبعوث بود که تقریباً همه شب‌ها در میادین حضور داشت و امروز به لطف شما دیگر حضور ندارد.

تبعات حکم حبس رسایی می‌تواند سرمایه اجتماعی را فرسوده کند

زینب قیصری، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: وحدت و انسجام، مهم‌ترین مطالبه امروز رهبری است. حکم ۱۰ ماه حبس حجت‌الاسلام رسایی نماینده مردم، صرفاً یک موضوع قضایی نیست؛ تبعات سیاسی و اجتماعی آن می‌تواند شکاف‌های داخلی را عمیق‌تر و سرمایه اجتماعی را فرسوده کند. در این شرایط حساس کشور، تدبیر و سعه صدر راهگشاست.

نبویان: مذاکره با قاتل رهبر شهید ارزش برخورد با منتقدان را ندارد

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه مجلس شورای اسلامی، در حساب کاربری خود نوشت: مذاکره و تفاهم با قاتل رهبر شهید آنقدر ارزش ندارد که تصمیم گرفته شد با منتقدین تفاهم نامه به بهانه‌های گوناگون برخورد شود.

بهادری جهرمی: توافق با امارات تله‌ای بیش نبود

سخنگوی دولت شهید رئیسی در حساب کاربری خود نوشت: ان‌شاءالله مسئولین مربوطه زودتر به خود بیایند که توافقات‌شان با امارات تله‌ای بیش نبوده و مسیر اشتباه رفته را جبران کنند. خبرهای مستمر و اقدامات عینی و عدم پایبندی مستمر به تعهدات واضح است و جای توجیه ندارد

ابوترابی: کشورهای همسایه از رفتار دولت ما با آنها گلایه دارند

نماینده مردم مجلس شورای اسلامی گفت: ای کاش دولت پزشکیان بجای انرژی که برای مذاکره با آمریکا می‌گذارد برای گسترش روابط با چین، روسیه و برخی کشورهای همسایه می‌گذاشت. وی افزود: وقتی به برخی کشورهای همسایه مراجعه می‌کنیم، از رفتار دولت ما گلایه می‌کنند و می‌گویند ما برای کار کردن با شما بخاطر تحریم مشکلی نداریم، دولت ایران ما را تحویل نمی‌گیرد. تئوتراپی تأکید کرد: روسیه بیشترین غلات را دارد و اتفاقاً حاضر است براحتی به ما بفروشد، ولی ما به جای واردات از این کشور به دنبال واردات از برزیل و آمریکای جنوبی هستیم!

یاد

تاکید رهبر شهید بر حمایت از نخبگان



روز گذشته، محمد مخبر در دیدار با جمعی از نخبگان وظیفه با اشاره به توجه مستمر امامین انقلاب اسلامی به موضوع مصون‌سازی و تاب‌آوری کشور اظهار داشت: امامین انقلاب تا به امروز توجه‌شان به مصون‌سازی و تاب‌آوری کشور بوده است و نتیجه این رویکرد را نیز در مقاطع مختلف شاهد بوده‌ایم. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: آنچه امروز اهمیت دارد این است که نخبگان وظیفه بتوانند ظرفیت علمی، تخصصی و انگیزه خود را در جایگاه واقعی خود قرار دهند و اجازه ندهند فضایی که دشمن تلاش می‌کند از طریق ایجاد ترس و یأس شکل دهد، مانع حرکت و نقش‌آفرینی آنان شود. مشاور و دستیار مقام معظم رهبری با اشاره به سابقه توجه امام شهید به موضوع حمایت از نخبگان گفت: در سال‌هایی که مسئولیت داشتیم، همواره امام شهید از من درباره حمایت از نخبگان پیگیری و تأکید می‌کردند و بر این موضوع تأکید داشتند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: توجه به نخبگان و حمایت از ظرفیت‌های علمی و تخصصی آنان موضوعی است که همواره مورد تأکید بوده و باید زمینه‌ای فراهم شود که جوانان نخبه بتوانند بیشترین استفاده را از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود داشته باشند.

یادداشت

فرا تر از یک پرونده قضایی

سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی
معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم

صدور حکم حبس برای حجت الاسلام والمسلمین رسایی (بنده در دو دوره هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی در خدمت ایشان بودم و اذعان می‌کنم که هم در آن زمان و هم اکنون، از نمایندگان انقلابی مؤثر بوده و هستند)، بار دیگری از مسائل مهم و کمتر مورد توجه در نظام حقوقی و سیاسی کشور را در معرض بحث قرار داده است؛ مسئله‌ای که فراتر از شخص، گرایش سیاسی یا موضوع پرونده، به نسبت میان اجرای احکام قضایی و استمرار ایفای مسئولیت‌های ناشی از رأی مردم بازمی‌گردد.

شکایت خصوصی و پیامدهای عمومی

این پرونده در پی شکایت فردی علیه یک مطبوعه شکل گرفته و نتیجه آن، صدور حکم حبس برای یک نماینده مجلس شورای اسلامی بوده است.

طبیعی است که اصل حاکمیت قانون و لزوم اجرای احکام قطعی قضایی، از ارکان هر نظام حقوقی منسجم به شمار می‌رود و هیچ فردی نباید خود را فراتر از قانون بداند. با این حال، اجرای قانون نیز نیازمند توجه به تمامی آثار و پیامدهای حقوقی، سیاسی و اجتماعی آن است؛ زیرا گاهی یک تصمیم قضایی، علاوه بر شخص محکوم، بر حقوق عمومی و نهادهای قانونی نیز اثرگذار می‌شود.

جایگاه هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان

در این میان، نخستین پرسش به جایگاه هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان بازمی‌گردد. قانون‌گذار این هیئت را برای بررسی برخی موضوعات مرتبط با نمایندگان پیش‌بینی کرده است تا ضمن صیانت از شأن مجلس، حدود و ثغور مسئولیت‌های نمایندگی نیز مورد توجه قرار گیرد.

از این رو، افکار عمومی حق دارد بداند در پرونده‌ای که یکی از طرف‌های آن نماینده فعلی مجلس است، این سازوکار قانونی چگونه طی شده و چه فرایندی برای رعایت الزامات مقرر در قانون در نظر گرفته شده است.

تعارض احتمالی میان اجرای حکم و وظایف نمایندگی

پرسش دوم به تعارض احتمالی میان اجرای حکم حبس و انجام وظایف نمایندگی مربوط می‌شود. نماینده مجلس، صرفاً یک شخص حقیقی نیست؛ او با رأی مستقیم مردم، حامل بخشی از اراده عمومی در فرایند قانون‌گذاری و نظارت است.

به همین دلیل، هر وضعیتی که مانع حضور و مشارکت او در انجام وظایف قانونی شود، تنها متوجه شخص نماینده نخواهد بود، بلکه آثار آن به حوزه نمایندگی مردم نیز تسری پیدا می‌کند.

حقوق مردم، نماینده و مجلس

موضوع مهم دیگر، حقوقی است که در نتیجه غیبت اجباری یک نماینده ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد.

نخست، حق مردمی که با حضور در انتخابات و اعطای رأی، فردی را برای پیگیری مطالبات خود برگزیده‌اند.

دوم، مسئولیت و تکلیف نماینده‌ای که در برابر موکلان خود متعهد به حضور، پیگیری امور و ایفای وظایف قانونی است.

سوم، حق مجلس شورای اسلامی که برای انجام دقیق وظایف خود به مشارکت فعال همه نمایندگان، تضارب آرا و حضور مؤثر آنان در فرایند تصمیم‌گیری نیاز دارد.

قانون‌مداری و ضرورت بازاندیشی در سازوکارهای قانونی

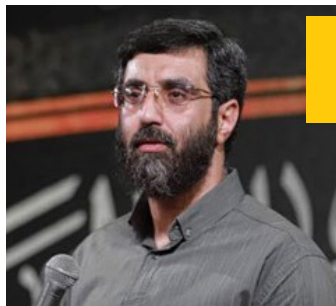
قانون‌مداری زمانی به معنای کامل خود تحقق می‌یابد که همه اجزای نظام حقوقی، در کنار یکدیگر و با ملاحظه آثار متقابلشان مورد توجه قرار گیرند.

از همین رو، پرونده‌هایی از این دست، فرصتی برای بازاندیشی در سازوکارهای قانونی موجود و بررسی نسبت میان حقوق عمومی، مسئولیت‌های نمایندگی و اجرای احکام قضایی فراهم می‌آورند؛ موضوعی که بی‌تردید فراتر از یک پرونده خاص بوده و به استحکام نهادهای قانونی و اعتماد عمومی به فرایندهای حکمرانی مربوط می‌شود.

نریمانی: چرا اشداء بینهم رحماء علی الکفار شدید؟

هستید و کارهای بزرگ و افتخار آفرین مثل تفاهم‌نامه با آمریکا انجام دادید چرا نمی‌روید با بعضی از این نماینده‌ها مذاکره کنید گفتگو کنید چرا شکایت می‌کنید؟

وی افزود: اینها (منتقدان) که بدتر از آمریکایی‌ها نبودند بروید باهاشون بشینید حرف بزنید مشکل رو حل کنید پس وحدت و وفاق و این حرفا چی شد؟ چرا اشداء بینهم رحماء علی الکفار شدید؟ یک ذره انتقاد پذیر باشید نریمانی تصریح داشت: وفاق خیلی چیز عجیبی است. اینقدر عجیب که میتواند



سید رضا نریمانی، مداح برجسته کشورمان در واکنش به اقدام اخیر ضد وحدت قالیباف نوشت: شما که اینقدر آدم خوبی

علیرغم تأکیدات رهبر انقلاب نسبت به سهم مهم و حساس مسئولان در تحکیم انسجام، رویکرد برخی مقامات محل وحدت بوده است

کم‌لطفی قوا
در امر وحدت

ضرورت رعایت وحدت و تلاش برای تحکیم انسجام جامعه که در دوران جنگ به اوج خود رسیده بود، از جمله محورهای پرتکرار در پیام‌های رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای طی ماه‌های اخیر بوده است. در این میان، مردم با وحدت مثال‌زدنی خود به‌ویژه حضور پرشور در اجتماعات وحدت‌بخش شبانه، توانستند در عمل به فرمان رهبری سربلند باشند اما رویکرد برخی مسئولان در این زمینه قابل دفاع نیست؛ مخصوصاً آنکه رهبر انقلاب، سهم مسئولان و دلسوزان کشور را برای پرهیز از تفرقه، "مهمتر" و حساس‌تر" توصیف کرده بودند.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

جمله این موارد می‌توان به محکومیت حجت الاسلام حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس و نائب رئیس کمیسیون فرهنگی اشاره کرد که موجی از انتقادات و اعتراضات را حتی در میان نمایندگان مجلس برانگیخت. در شرایطی که

فشارها و دشمنی‌های آمریکا علیه ملت ایران اوج گرفته و از سویی، مطالبه عمده مردم از مجلس، مواردی چون بازگشایی صحن، تصویب قانون مدیریت تنگه هرمز و رسیدگی به چندین مورد مطالبه نمایندگان برای استیضاح وزرای ناکارآمد بوده است، اجرای حکم حبس یک نماینده انقلابی با شکایت رئیس مجلس، عرصه تازه‌ای از موافقت‌ها و مخالفت‌ها را گشود و به موج تازه‌ای از اختلاف نظرها دامن زد. این دغدغه در موضع‌گیری بسیاری از دلسوزان هم بازتاب داشت از جمله در بخشی از بیانیه آیت‌الله‌ها هری عضو مجلس خبرگان رهبری پس از اجرای حکم رسایی آمده است: خبر صدور رأی قضایی علیه یکی از نمایندگان انقلابی مجلس شورای اسلامی در این مقطع و ابلاغ آن حقیقتاً چه معنایی را به اذهان متبادر کرده است؟ خبری که علاوه بر برهم زدن فضای انسجام جامعه، یک دو قطبی بلاوجه در این شرایط ایجاد

نمود و مجدداً سبیل انتقاد و نقد دلسوزان انقلاب به عملکرد بعضی از قضات و مدیران را در جامعه جاری کرد! مشابه این رویکرد و عدم مراقبت نسبت به صیانت از وحدت و اتحاد مقدس، در رفتار و گفتار رئیس دولت چهاردهم نیز ظهور و بروز داشت. انفکاک و تقسیم‌بندی مردم به کسانی که در تجمعات شبانه شرکت دارند و افرادی که شرکت ندارند از سوی رئیس‌جمهور و یا مواضع شاذ و عجیب نسبت به مردم جانفدا از سوی یوسف پزشکیان و همچنین حاشیه‌سازی‌های روزانه جعفر قائم‌پناه از جمله رویکردهای محل وحدت از سوی دولتی‌ها بوده است. در خصوص موضوع انتقام و خونخواهی رهبر شهید انقلاب نیز که مورد تأکید و تصریح رهبر معظم انقلاب بوده است نیز پزشکیان موضعی را در مصاحبه با رسانه‌های آمریکایی در نیویورک ابراز کرد که عملاً محل وحدت و انسجام ملت ایران بود.

رهبر معظم انقلاب تیرماه گذشته در پیام‌شان درباره‌ی حماسه عظیم بدرقه آقای شهید ایران و تبیین مسائل مهم کشور تأکید داشتند: لازم است به شما مردم با وفا و سرافراز ایران عرض شود که از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدس در همه‌ی سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تأمین عزت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایتکار و حيله‌گر امریکایی است.

در این پیام همچنین تأکید شده بود: همانگونه که پیش از این مکرراً و مؤکداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی وظیفه‌ی همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دلباخته‌ی انقلاب و امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حساس‌تر است.

با وجود تأکید چندباره رهبر انقلاب در این خصوص، رویکرد برخی مسئولان و روسای قوا، نه تنها تلاش برای هم‌افزایی و وحدت‌آفرینی را نشان نمی‌دهد که بالعکس به تشدید برخی اختلافات و بعضاً دو قطبی‌ها دامن زده است. از



ذخیره‌سازی ۳.۵ میلیارد لیتر سوخت برای نیروگاه‌ها



عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به شرایط صنعت برق کشور در دوران جنگ گفت: نیروگاه‌های کشور با وجود آسیب‌های واردشده به زیرساخت‌های انرژی، صحنه تولید را ترک نکردند و روند تولید برق ادامه یافت. صنعت برق حدود ۸۰ تا ۹۰ هزار میلیارد تومان در اثر حملات دشمن آمریکایی-صهیونی خسارت دید، اما با وجود این خسارت‌ها، روند تولید انرژی ادامه پیدا کرده است. رمضانعلی سنگدوینی با اشاره به نقش نیروگاه‌های گازی در تأمین برق کشور گفت: بیش از ۷۰ درصد برق کشور توسط نیروگاه‌های گازی تأمین می‌شود و این موضوع اهمیت استمرار فعالیت این نیروگاه‌ها را در شرایط تحریم و محدودیت‌های موجود نشان می‌دهد.

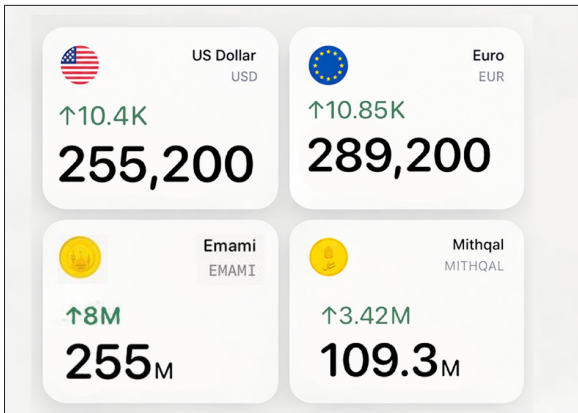
وی با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای تأمین

سوخت نیروگاه‌ها گفت: تصمیم‌گیری شد که ذخایر نیروگاه‌ها افزایش پیدا کند تا در صورت بروز کمبود گاز، نیروگاه‌ها از مدار خارج نشوند. در نتیجه این اقدامات، بیش از ۳.۵ میلیارد لیتر سوخت برای نیروگاه‌ها ذخیره شد.

عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به وضعیت گازرسانی در زمستان امسال اظهار کرد: شرایط تأمین گاز نیروگاه‌ها نسبت به سال گذشته سخت‌تر است و باید برای مدیریت این شرایط از هم‌اکنون برنامه‌ریزی شود. وی ادامه داد: در جریان حملات، چهار فاز از پالایشگاه‌های پارس جنوبی آسیب دید و حدود ۳۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت تولید گاز از مدار خارج شد. بخشی از این ظرفیت در مدت کوتاهی به مدار بازگشت و قرار است بخش‌های دیگری نیز مجدداً وارد

مدار شوند. سنگدوینی تأکید کرد: در کنار افزایش تولید، مدیریت مصرف انرژی یکی از مهم‌ترین و دسترس‌ترین راهکارها برای عبور از ناترازی است. اگر مصرف به درستی مدیریت شود، می‌توان تولید و فعالیت صنایع را پایدار نگه داشت. وی گفت: با وجود آسیب به نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها، تأمین برق، گاز، بنزین و نفت و همچنین حمل‌ونقل کشور ادامه پیدا کرد و این موضوع نشان‌دهنده تلاش فعالان صنعت انرژی است. سنگدوینی خاطرنشان کرد: باید شرایط به گونه‌ای مدیریت شود که در زمستان پیش‌رو، تولید در کشور متوقف نشود، حمل‌ونقل دچار مشکل نشود و بخش خانگی و تجاری نیز با محدودیت جدی مواجه نشود.

نوبنیاد از ۴,۳ برابر شدن نرخ ارزی دو سال گزارش می‌دهد:



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

سناریوی کودتا؟

قیمت دلار در بازار غیررسمی دیروز (سه‌شنبه) در حالی از مرز ۲۵۵ هزار تومان گذشت که در آغاز به کار دولت چهاردهم (۳۱ مرداد ۱۴۰۳)، ۵۸ هزار و ۴۱۰ تومان بود. قیمت دلار به عنوان دماسنج بازار ارزی این مدت (۷۷۰ روز عملکرد دولت پزشکیان)، حدود ۱۹۴ هزار و ۵۰۰ تومان معادل ۳۳۴ درصد افزایش یافته است؛ به بیان ساده‌تر، قیمت دلار در این دوره بیش از چهار برابر شده است. این جهش البته در خلأ رخ نداده است، چرا که تحریم‌ها، ریسک‌های سیاسی، جنگ و مذاکرات بی‌سرانجام، بر بازار اثرگذار بوده و جهش ناگهانی این روزهای ارز، تکرار کودتای دیمه ۱۴۰۴ را محتمل کرده است.

هفته، در محدوده ۲۵۳ هزار تومان قرار گرفته است؛ یعنی ۵۳ هزار تومان افزایش قیمت در کمتر از یک ماه! اگر معیار موفقیت سیاست ارزی، ثبات پول ملی و مهار انتظارات تورمی است، چرا فاصله میان نرخ آن زمان و امروز چنین عمیق شده است؟ آیا مساعی صادقانه و همت والایی که از آن سخن می‌گفتند، افزایش روزانه چند هزار تومانی قیمت ارز بوده است؟ روز ۱۰ شهریورماه، وقتی دلار به ۲۱۴ هزار تومان رسیده بود، همتی گفت: «این نوسانات موقتی است و گرد و خاک ایجادشده در بازار ارز به‌زودی فرو خواهد نشست». امروز باید پرسید آیا گرد و خاک فرونشست، یا این طوفان بی‌تدبیری بود که سقف بازار را در ۲۵۰ هزار تومان شکافت؟

همتی پیشنهادی ندارد؟

روزگاری نه چندان دور، در دوران دولت سیزدهم که دلار در کانال‌های ۳۰ و ۴۰ هزار تومان نوسان می‌کرد، همتی در نقش مدعی‌العموم ظاهر می‌شد و پیایی توثیت می‌زد؛ افزایش چند درصدی نرخ ارز را ناشی از «بی‌سواد اقتصادی»، «ناکارآمدی» و «عدم تسلط به ابزارهای پولی» می‌نامید و ادعا می‌کرد مدیریت علمی ارز نیازمند نگاه مدرن است. همتی پاییز ۱۴۰۱ نیز همزمان با ناآرامی‌ها توثیت زد: «جهش نرخ ارز ربطی به اعتراضات و توطئه‌ها ندارد؛ در دنیای موازی سیر نکنید! علت اصلی جهش دلار، فاندانمنتال‌های بازار، کسری بودجه مزمن، چاپ پول و ناکارآمدی خود شماس است». و چطور وقتی در دولت قبل، دلار در دو سال ۹۵ درصد افزایش یافت، آقای همتی آن را نشانه «بی‌سوادی و ناتوانی» می‌دانست، اما امروز که دلار در دولت چهاردهم با جهش ۳۳۴ درصدی به ۲۵۳ هزار تومان رسیده، نه تنها استعفا نمی‌دهد، بلکه از دست رئیس‌جمهور لوح تقدیر می‌گیرد؟!

قالیباف و تغییر موضع در برابر ارز

بازخوانی مواضع مسئولان امروز درباره دولت سیزدهم نیز خالی از لطف نیست. در دولت قبل، افزایش نرخ دلار با واکنش‌های تند برخی مسئولان از جمله محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، همراه می‌شد و کنترل بازار ارز مطالبه‌ای جدی بود. اما در دولت چهاردهم، با جهش‌های جدید ارزی، لحن برخی مسئولان تغییر کرده و خبری از مطالبه‌گری برای ثبت رکوردهای جدید نیست. سیاست اقتصادی دولت چهاردهم ملغمه‌ای از تناقض و بی‌برنامگی است؛ از یک‌سو زیست اقتصاد جنگی می‌گیرند و از سوی دیگر با گشایش درهای واردات خودروهای لوکس و کالاهای تجملاتی، منابع ارزی را پیش‌پیش آتش می‌زنند. دلار ۲۵۰ هزار تومانی، سند غیرقابل انکاری از شکست ایده «رها سازی کورکورانه بازار» و سپردن معیشت ۸۵ میلیون ایرانی به دست دلان رات جو است.

داد اما هم‌زمان در همین سال جاری شاهد جهش ۶۶ درصدی واردات خودروهای خارجی در پنج‌ماهه نخست بود؟ چرا دولت منابع محدود ارزی کشور را که باید صرف گلوگاه‌های تولید و معیشت شود، به پای واردات کالاهای لوکس می‌ریزد؟ آن هم در شرایطی که واردات کالاهای اساسی مردم ۴ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، دمیدن در شپیور آزادسازی واردات لوازم خانگی برندهای کره‌ای ال‌جی و سامسونگ در چنین اوضاع ملت‌هپی، جز تحریک تقاضا در بازار غیررسمی چه ثری دارد؟

در همین حال، اخبار کاکیت از ثبت گرمی «آیفون ۱۸» دارد؛ این در حالی است که سیاست فعلی واردات تلفن همراه در سال ۱۴۰۵، ثبت سفارش جدید را در مرحله نخست به گواشی‌های بازارش کمتر از ۴۰۰ یورو محدود کرده است. گواشی‌های پرچمدار عملاً در گروه کالاهای بالاتر از این سقف قرار می‌گیرند و ورود تجاری آن‌ها ممنوع است. در چنین شرایطی، سیاست تخصیص منابع ارزی باید میان نیازهای ضروری و کالاهای لوکس تفکیک‌روشنی داشته باشد. حتی اگر واردات یک کالای لوکس بدون دریافت ارز ترجیحی انجام شود، سیاست‌گذار همچنان باید نسبت به آثار آن بر منابع ارزی و اولویت‌های وارداتی کشور حساس باشد.

شکاف عمیق ترانانت

دولت یکی از اهداف خود را در اجرای سیاست ارزی نیمه دی‌ماه سال گذشته، نزدیک کردن نرخ رسمی مرکز مبادله ارز و طلا به بازار غیررسمی به بهانه برچیدن رانت اعلام کرد. با وعده جمع کردن بساط چندنرخ‌ی ارز، دست به حذف ارزهای ترجیحی زدند تا فاصله میان نرخ رسمی و غیررسمی کم شود. اما امروز، پس از گذشت ۹ ماه، شکاف میان نرخ مرکز مبادله و بازار غیررسمی نه تنها پر نشده، بلکه به ۴۵.۸ درصد رسیده است! نتیجه این «جراحی ارزی» که گرانی‌ها را به مردم تحمیل کرد، چه بود؟ حذف پایه‌های تثبیت قیمتی، جهش هزینه واردات نهاده‌ها و مواد اولیه، و تحمیل بالاترین نرخ تورم ۸۲ سال اخیر بر سفره مردم. با این حال، تئوری بافی‌های کتابخانه‌ای مکتب «رها سازی بازار»، جامعه را به لبه پرتگاه گرانی بی‌مهار کشانده و سیاست‌گذار تنها نظاره‌گر سقوط ارزش پول ملی مانده است.

مدال افتخار برای دلار ۲۵۳ هزار تومانی!

در ۴ شهریور ۱۴۰۵، مسعود پزشکیان در مراسم اختتامیه بیست‌ویکمین جشنواره شهید رجایی، از عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، تقدیر کرد و در متن لوح از «همت والا و مساعی صادقانه» او در مدیریت بحران و خدمت‌رسانی در دوره جنگ سخن گفت. در آن روز، دلار حدود ۲۰۰ هزار تومان بود و اکنون با گذشت تنها چند

بازار غیررسمی ارز این روزها رکوردهایی را به ثبت می‌رساند که تا چندی پیش حتی در بدبینانه‌ترین پیش‌بینی‌های کارشناسان اقتصادی نیز نمی‌گنجید. جهش‌های پیایی ارزی در سایه بی‌عملی و تصمیمات نادرست تیم اقتصادی دولت چهاردهم باعث شد هر اسکناس آمریکایی، کانال ۲۵۰ هزار تومانی را لمس کند. روز یکشنبه هفته جاری، هر دلار در محدوده ۲۳۵ هزار تومان بود، اما تنها در عرض ۲۴ ساعت با عبور از ۲۴۵ هزار تومان، روز سه‌شنبه (دیروز) روی رقم باورنکردنی ۲۵۳ هزار تومان ایستاد و وارد کانال ۲۵۰ هزار تومانی شد. این در حالی است که در ابتدای سال جاری، نرخ دلار در کانال ۱۵۷ هزار تومان قرار داشت. برای درک عمق فاجعه‌ای که مدیریت اقتصادی دولت مسعود پزشکیان و مسکن‌دارانش رقم زده‌اند، کافی است تقویم را ورق بزنیم؛ در ۳۱ مردادماه ۱۴۰۳، هم‌زمان با تحویل رسمی کلید پاستور به مسعود پزشکیان، نرخ دلار ۵۸ هزار و ۴۱۰ تومان بود. امروز با عبور از ۲۵۰ هزار تومان، قیمت ارز در طول دو سال فعالیت دولت چهاردهم، افزایش خیره‌کننده ۱۹۴ هزار و ۵۰۰ تومانی معادل ۳۳۴ درصد ران تجربه کرده است؛ یعنی دلار بیش از ۴.۳ برابر شده و در آستانه پنج برابر شدن قرار دارد. به نظری می‌رسد دولت مدعی اصلاحات با گام‌هایی پرشتاب در حال تکرار سناریوی دهه ۹۰ و ثبت رکوردهای ویرانگر دولت حسن روحانی است. توجیه همیشگی حامیان دولت برای این بی‌ثباتی‌ها، پنهان شدن پشت تابلوی جنگ است. هرچند شرایط جنگی و تحریم‌ها غیرقابل انکار است، اما پرسش بنیادین از دولت این است: اگر کشور درگیر شرایط ویژه است و در مضیقه ارزی به سر می‌برد، چرا آرایش اقتصادی دولت دقیقاً در جهت عکس یک «اقتصاد جنگی» چیده شده است؟

ارز برای خودرو هست، برای دارو نه!

موضوع دیگر به مدیریت منابع ارزی بازمی‌گردد. طی ماه‌های اخیر، محدودیت منابع ارزی بر تأمین کالاهای ضروری و دارو نیز اثر گذاشته است. وزیر بهداشت اخیراً از وجود کمبود در ۳۲ قلم داروی اساسی خبر داده و مشکلات دسترسی به منابع مالی و انتقال ارز را از چالش‌های اصلی این حوزه عنوان کرده است. یکی از تصمیمات که در نوبنیاد نسبت به آن افزایش تقاضا در بازار غیررسمی هشدار داده شد، واردات خودو توسط ایرانیان مقیم خارج بود. حتی دستیار رئیس کل بانک مرکزی نسبت به اثران بر بازار ارز هشدار داد و گفت: بخشی از ارز این واردات از بازار آزاد تأمین می‌شود و می‌تواند تقاضای دلار را افزایش دهد. با این حال دولت‌مردان دولت چهاردهم بارها رکورد کمبود ارز سخن گفته‌اند اما چگونه می‌توان شعار کمبود منابع ارزی سر

تالار شیشه‌ای

روز سبز بورس با خروج ۳,۳ همت از درآمد ثابت‌ها

بازار سهام دیروز، (سه‌شنبه ۷ مهر ۱۴۰۵) معاملات خود را با برتری محسوس تقاضا آغاز کرد. در شروع معاملات، حدود ۸۷ درصد نمادها سبزپوش بودند و ارزش سفارش‌های خرید به حدود ۲۱ هزار میلیارد تومان در برابر تنها ۱۰۱ هزار میلیارد تومان سفارش فروش رسید. شاخص کل بورس تهران نیز در دقایق نخست بیش از ۱۵۰ هزار واحد رشد کرد، اما پس از آن موجی از عرضه وارد معاملات شد. با این حال، فروشندگان نتوانستند کنترل جریان معاملات را در دست بگیرند و بازار در ادامه بخش قابل توجهی از رشد خود را حفظ کرد.

در پایان معاملات، شاخص کل بورس با رشد ۱۲۵ هزار و ۶۱۰ واحدی (۱.۸۲ درصد) در ارتفاع ۷ میلیون و ۵۹۴ هزار و ۹۵۱ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۲۴ هزار و ۹۷۸ واحدی، (۱.۲۵ درصد) به ۲ میلیون و ۳۰ هزار و ۱۴۸ واحد رسید. شاخص فرابورس ایران نیز با ۶۴۷ واحد رشد (۱.۰۸ درصد) به ۶۰ هزار و ۷۱۹ واحد رسید. میانگین رشد شاخص صنایع ۱.۴۱ درصد بود و شاخص ۱۵ صنعت بیش از ۲ درصد رشد کرد. دو صنعت نیز افزایش بیش از ۳ درصدی داشتند و شاخص ۱۳ صنعت در بالاترین سطح تاریخی خود قرار گرفت. در میان گروه‌های دارای بیشترین ورود پول حقیقی، سرمایه‌گذاری، دارویی و تولید فلزات گرانبهای غیر آهن قرار داشتند.

در معاملات بازارهای بورس و فرابورس نیز مجموع ارزش معاملات به حدود ۱۳۰ هزار میلیارد تومان رسید و ارزش کل بازارهای سهام در محدوده ۲۶ هزار و ۴۵ همت قرار گرفت. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی حدود ۴۲.۹ هزار میلیارد تومان ثبت شد که نسبت به ۳۰.۷۷ هزار میلیارد تومانی روز دوشنبه افزایش محسوسی داشت. همچنین ۱۲۵۱ میلیارد تومان ورود پول حقیقی به بخش سهام و صندوق‌های ثبت شد. در مقابل از صندوق‌های درآمد ثابت ۳۳۷۲ میلیارد تومان خارج شد.

معاملات روز گذشته نشان داد بازار علاوه بر رشد شاخص‌ها، از افزایش ارزش معاملات و ورود نقدینگی نیز برخوردار بوده است. با وجود اینکه سرانه فروش ۱۰۵ میلیون تومان بالاتر از سرانه خرید ۹۳ میلیون تومان بود و تعداد بالای نمادهای مثبت و ۴۱۲ صف خرید در برابر ۵۳ صف فروش نشان داد تقاضا همچنان در سطح قابل توجهی قرار دارد. برای امروز، رفتار بازار در دقایق ابتدایی و میزان حفظ تقاضا اهمیت زیادی خواهد داشت. در صورت تداوم ارزش معاملات بالا و ورود نقدینگی، می‌توان انتظار داشت فضای مثبت بازار در کانون توجه باقی بماند؛ در مقابل، افزایش عرضه و کاهش ارزش معاملات می‌تواند نشانه‌ای از احتیاط معامله‌گران باشد.

چرا قدرت خرید کارگران باز نمی‌گردد؟

دستمزد در تعقیب تورم

حداقل دستمزد در سال جاری با افزایش ۶۰ درصدی به ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان رسید، اما سال به نیمه نرسیده بود که، تورم نقطه‌به‌نقطه خانوار به ۸۹ درصد و تورم سالانه به ۶۹۰۹ درصد رسید. در همین مدت، تورم خوراکی‌ها به ۱۲۷۰۵ درصد رسید؛ نرخی که نشان می‌دهد خانوارهایی که بخش بزرگ‌تری از درآمدشان را صرف خوراکی‌ها می‌کنند، فشار بیشتری را تحمل می‌کنند.

هم‌زمان، برآورد هزینه زندگی یک خانوار کارگری ۳۰۳ نفره از حدود ۴۳ میلیون تومان در ابتدای سال به ۹۰ تا ۹۲ میلیون تومان در مردادماه رسیده است. در چنین شرایطی، مسئله دستمزد دیگر فقط تعیین یک رقم در پایان سال نیست؛ بلکه سرعت فرسایش قدرت خرید در فاصله دو تصمیم‌مزدی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های بازار کار تبدیل شده است.



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

ماهانه این گروه حتی به یک سوم هزینه برآوردشده زندگی نیز نمی‌رسد.

هشت روز زندگی با درآمد یک ماه؟

برخی محاسبات کارگری، این شکاف را به شکل روزانه بیان کرده‌اند. براساس این محاسبات، دریافتی یک کارگر حداقل بکیر متأهل دارای یک فرزند، تنها حدود ۲۷ درصد هزینه زندگی را پوشش می‌دهد؛ معیاری که معادل تأمین هزینه حدود هشت روز از یک ماه عنوان شده است. این محاسبه به معنای آن نیست که خانوار کارگری پس از هشت روز هیچ هزینه‌ای نمی‌تواند انجام دهد؛ بلکه نشان می‌دهد نسبت درآمد به هزینه ضروری زندگی تا چه اندازه نامتوازن شده است. ادامه چنین وضعیتی معمولاً خانوار را به سمت کاهش مصرف، حذف برخی اقلام، استفاده از وام و بدهی یا کاهش پس‌انداز سوق می‌دهد. در همین حال، از کاهش مصرف گوشت و لبنیات، افزایش بدهی‌های مصرفی و حتی مهاجرت نیروی کار ماهر به عنوان پیامدهای فرسایش قدرت خرید یاد شده است.

ماده ۴۱؛ فاصله میان قانون و واقعیت

ماده ۴۱ قانون کار یکی از محورهای اصلی بحث مزد است. این ماده تعیین مزد را به دو مؤلفه نرخ تورم و تأمین هزینه زندگی یک خانواده مرتبط می‌کند. با این حال، در سال‌های مختلف فاصله میان مزد مصوب و هزینه واقعی زندگی افزایش یافته است. محمدرضا تاجیک، نماینده کارگران در شورای عالی کار، گفته است که دستمزد کارگران در سال‌های گذشته معمولاً حدود ۷ تا ۸ واحد درصد از نرخ تورم عقب‌تر بوده و معیار سید معیشت نیز به‌طور کامل در تعیین مزد رعایت نشده است.

یکی از مهم‌ترین اختلاف‌نظرها در بحث مزد، رابطه میان افزایش حقوق و تورم است. دیدگاهی وجود دارد که افزایش شدید دستمزد را عاملی برای افزایش هزینه تولید و در نهایت رشد قیمت‌ها می‌داند. در مقابل، فعالان کارگری و برخی مطالعات مورد اشاره در مباحث مزدی، نقش دستمزد را در ایجاد تورم بسیار محدودتر از سایر عوامل ارزیابی می‌کنند. برای بررسی این مسئله باید میان علت اولیه تورم و اثر ثانویه مزد تفاوت گذاشت. کاهش ارزش پول ملی، شوک‌های ارزی، افزایش قیمت انرژی و کالاهای اساسی، کسری بودجه، رشد نقدینگی و تحریم‌ها

از جمله عواملی هستند که در توضیح تورم ایران مطرح شده‌اند. از این منظر، افزایش مزد الزاماً آغازکننده موج تورمی نیست. اما این موضوع به معنای بی‌اثر بودن مزد بر قیمت‌ها نیز نیست. اگر افزایش هزینه نیروی کار در شرایطی رخ دهد که بنگاه توان افزایش بهره‌وری نداشته باشد، بخشی از این هزینه ممکن است به قیمت کالا و خدمات منتقل شود.

بازنگری میان سال؛

ترمیم فاصله یا تصمیمی دشوار؟

در مذاکرات مزد ۱۴۰۵، سازوکاری برای بازنگری مزد در صورت تداوم افزایش تورم پیش‌بینی شد. قرار بود در نیمه دوم سال، با توجه به تغییرات قیمت کالاهای اساسی و مواد غذایی، موضوع مزد دوباره بررسی شود. منطق این بازنگری روشن است: مزد یک بار در سال تعیین می‌شود، اما قیمت‌ها هر ماه تغییر می‌کنند. اگر تورم واقعی بسیار بیشتر از تورمی باشد که هنگام تعیین مزد پیش‌بینی شده، قدرت خرید مزد در طول سال کاهش می‌یابد. محاسبات ارائه‌شده برای ۶ ماه باقی‌مانده سال نشان می‌دهد حتی با فرض تورم ماهانه ۲ درصد، قدرت خرید مزد ثابت حدود ۱۳ درصد دیگر کاهش خواهد یافت. در سناریوهای تورمی بالاتر، میزان افت بیشتر خواهد بود. با این حال، بازنگری مزد نیز تصمیم ساده‌ای نیست. افزایش قابل توجه هزینه نیروی کار در شرایط رکود می‌تواند فشار مضاعفی بر بنگاه‌هایی وارد کند که با کاهش تقاضا و هزینه‌های فزاینده روبه‌رو هستند.

بازنگری مزد میان‌سال می‌تواند بخشی از فاصله ایجادشده را کاهش دهد، اما به‌تنهایی مسئله را حل نمی‌کند. کنترل تورم، ثبات نرخ ارز، کاهش نااطمینانی، افزایش بهره‌وری، تقویت بنگاه‌های تولیدی و استفاده از سازوکارهای مشارکت کارگران در سود نیز در سمت دیگر معادله قرار دارند. در نهایت، مسئله دستمزد نه فقط این است که کارگر در پایان سال چه درصدی افزایش حقوق می‌گیرد؛ مسئله این است که این افزایش چند ماه می‌تواند در برابر افزایش‌های زندگی دوام بیاورد. تا زمانی که سرعت قیمت‌ها از سرعت ترمیم درآمد بیشتر باشد، شکاف میان مزد و معیشت دوباره باز خواهد شد؛ حتی اگر رقم حقوق روی کاغذ هر سال بزرگ‌تر شود.

یادداشت

درهم؛ دستکش مخملی بر پنجه آهنین دلار

محسن نظری
روزنامه‌نگار

در ادبیات اقتصاد سیاسی، استقلال ملی تنها در حفظ مرزها خلاصه نمی‌شود؛ بلکه استقلال واقعی در رگ‌های پولی و مالی یک کشور جریان دارد. با این حال سال‌هاست که بخشی از مدیریت بازار ارز ایران، آگاهانه یا ناآگاهانه، به نفی میدان «سبزه میدان» دبی گره خورده است؛ اما نگاهی عمیق به ساختار پولی امارات متحده عربی و پیوند ناگسستنی آن با ایالات متحده، نشان می‌دهد که این کشور نه یک لنگرگاه امن، بلکه به مثابه یک «گلگاه استراتژیک» است که کلید آن در اتاق‌های فکر واشنگتن چرخیده و در صرافی‌های دبی اجرا می‌شود.

دلار با لباس عربی

بررسی نظام پولی امارات نشان می‌دهد که «درهم» از استقلال هویتی برخوردار نیست. از سال ۱۹۸۰، نرخ برابری این ارز با دلار آمریکا روی عدد ۳۰۶۷۲۵ تثبیت شده است. این به معنای آن است که بانک مرکزی امارات عملاً دیناله‌روی بی‌چون و چرای فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) است. وقتی واشنگتن برای مهار تورم خود نرخ بهره را بالا می‌برد، ابوظبی نیز بدون در نظر گرفتن مصالح منطقه، ناچار به تبعیت است تا نرخ برابری‌اش آسیب نبیند. برای اقتصاد ایران که درگیر یک جنگ تمام‌عیار ارزی با جبهه استکبار است، تکیه بر ارزی که خود مستعمره پولی دلار است، یک خطای راهبردی محسوب می‌شود. ما در حقیقت برای دور زدن تحریم‌های دلار، به دامن ارزی پناه برده‌ایم که ذات و هویتش دلاری است. این پارادوکس، همان نقطه‌ای است که دشمن از آن برای ضربه زدن به معیشت مردم کشورمان استفاده می‌کند.

وجود ۷۳ صرافی بزرگ در امارات، ظاهر جذابی برای تاجر ایرانی ساخته است، اما نباید فراموش کرد که این شبکه، تحت نظارت شدید نظامات مالی بین‌المللی (تحت سلطه آمریکا) قرار دارد. تمرکز بخش عمده‌ای از مبادلات ارزی ایران در این شبکه، نوعی «خودتحریمی» غیرمستقیم است. هر زمان که اراده سیاسی بر فشار مضاعف بر تهران باشد، اماراتی‌ها با تشدید نظارت بر صرافی‌ها، راه تنفس ارزی ما را تنگ می‌کنند؛ همان‌طور که در نوسانات ارزی سال‌های اخیر، ردیای کارشنکی‌ها در حوال‌های درهمی به وضوح قابل مشاهده بود. توافق‌های اخیر امارات با چین، کره جنوبی، ترکیه و حتی اتیوپی و مصر، نشان‌دهنده یک طراحی برای تبدیل شدن به هاب مالی منطقه است. اما نکته اینجاست که کارشناسان معتقدند توافق با کشورهایی نظیر مصر و اتیوپی بیش از آنکه توجیه اقتصادی داشته باشد، با اهداف راهبردی و گسترش نفوذ منطقه‌ای صورت گرفته است. امارات در حال ساختن حصار از توافقات ارزی است تا به عنوان واسطه اصلی، سهم خود را از تجارت منطقه بردارد و در عین حال، به عنوان نماینده غیررسمی نظامات مالی غرب، بر جریان پول در کشورهای مستقل نظارت کند.

عبور از معبر دبی

اتکای بیش از حد به مسیرهای مالی امارات، اقتصاد ایران را در برابر هرگونه تکانه سیاسی یا دستور مستقیم واشنگتن به ابوظبی، آسیب‌پذیر کرده است. نظام پولی ما نباید در گروی کشوری باشد که استقلال پولی‌اش را قربانی پیمان با آمریکا کرده است. رویکرد درست در اقتصاد ایجاب می‌کند که باید وابستگی تجاری به امارات به عنوان هاب واسطه، کاهش پیدا کند و بنادر خودمان در خلیج فارس و دریای عمان مانند چابهار تقویت شوند. همچنین به جای عبور از کانال درهم، باید با شرکای استراتژیک مانند چین، روسیه و عراق، مستقیماً با ارزهای ملی معامله کرد تا نقش واسطه‌گری امارات حذف شود. با این حال گلگاه ارزی ایران نباید در دبی باشد. ما نیازمند حکمرانی ریال و اقتدار در مبادلات خارجی هستیم. زمان آن رسیده که پنجه‌های درهم بر گلو اقتصاد ایران را با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای سست کنیم. وابستگی به درهم، در واقع تمهید اقامت دلار در سفره‌های مردم است؛ اقامتی که باید هرچه سریع‌تر به پایان برسد.



سهم دستمزد در تولید چقدر است؟

یکی از ارقام مهم در این بحث، سهم دستمزد از بهای تمام‌شده تولید است. این سهم طبق اظهارات نماینده وزارت کار در شورای عالی کار، حدود ۵ تا ۸ درصد اعلام شده است. این رقم نشان می‌دهد که نمی‌توان افزایش قیمت تمام‌شده تولید را صرفاً به مزد نسبت داد. با این حال، سهم پایین دستمزد نیز به معنای بی‌هزینه بودن افزایش حقوق برای بنگاه نیست. بنگاه ممکن است با حاشیه سود محدود، نقدینگی ناکافی یا کاهش تقاضا مواجه باشد و حتی افزایش هزینه‌ای با سهم محدود نیز بر تصمیم آن درباره استخدام، تعدیل نیرو یا سرمایه‌گذاری اثر بگذارد. به همین دلیل، سیاست مزدی نیازمند

ملاحظه هم‌زمان دو طرف بازار کار است؛ حفظ قدرت خرید نیروی کار و جلوگیری از فشار بیش از ظرفیت بر بنگاه‌ها.

یادداشت

خروج از عراق پس از ۲۳ سال اشغالگری

حسین نعمتی
روزنامه‌نگار

بیست و سه سال پس از آنکه آمریکا با ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی به عراق حمله کرد، آخرین نیروهای نظامی این کشور نیز تا امروز خاک عراق را ترک می‌کنند؛ خروجی که پایان حضور نظامی مستقیم واشنگتن در عراق را رقم می‌زند. آمریکایی‌ها پس از بیش از دو دهه جنگ و اشغال، در حالی عراق را ترک می‌کنند که هزاران کشته و زخمی و هزینه‌ای چند تریلیون دلاری بر جای گذاشته است.

مارس ۲۰۰۳، آمریکا با ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی به عراق حمله کرد؛ سلاح‌هایی که هرگز پیدا نشدند. سقوط بغداد، فروپاشی ساختارهای امنیتی و سیاسی و سال‌ها خشونت فرقه‌ای و تروریسم را به دنبال داشت. ابوغریب، فلوجه و کشتار غیرنظامیان در میدان النصور تنها بخشی از پرونده سنگین جنگ آمریکا در عراق بود.

ابعاد انسانی این جنگ نیز سنگین بود. پروژه «هزینه‌های جنگ» دانشگاه براون شمار غیرنظامیان کشته شده مستقیم در جنگ عراق تا مارس ۲۰۲۳ را حدود ۱۸۶ تا ۲۱۰ هزار نفر برآورد کرده است. در سوی آمریکایی نیز حدود ۴۶۰۰ نظامی کشته شدند و هزاران پیمانکار آمریکایی نیز جان خود را از دست دادند.

صورت حساب مالی جنگ نیز کم سابقه بود. براساس برآورد پروژه «هزینه‌های جنگ» دانشگاه براون، هزینه جنگ‌های آمریکا در عراق و سوریه، با احتساب هزینه‌های نظامی و تعهدات مرتبط با کهنه‌سربازان، تا سال ۲۰۲۳ به بیش از ۲.۸ تریلیون دلار می‌رسید. واشنگتن در نهایت نه عراق را به الگوی ثبات مورد نظر خود تبدیل کرد و نه توانست حضور نظامی خود را برای همیشه تثبیت کند.

با این حال، خروج نظامی به معنای پایان نفوذ آمریکا نیست. واشنگتن همچنان از ابزارهایی مانند تحریم، نظام مالی، روابط امنیتی و فشار دیپلماتیک برای اثرگذاری بر بغداد برخوردار است. نمونه روشن آن را می‌توان در تحولات هفته‌های اخیر دید؛ همزمان با خروج نیروهای آمریکایی، دولت علی‌الزیدی تحت فشار فزاینده برای خلع سلاح یا ادغام گروه‌های مقاومت قرار گرفته است. ضرب‌الاجل ۳۰ سپتامبر نیز از ابتدا با زمان خروج نیروهای ائتلاف پیوند خورده بود.

واشنگتن که دستاورد حضور خود در عراق را با نفوذ معنوی ایران و همدلی دو کشور بر باد می‌بیند تلاش‌های زیادی برای فشار بر این از طریق حکام ضعیف در بغداد در دست اجرا دارد.

آمریکا از عراق می‌رود، اما پرونده مداخله‌اش بسته نمی‌شود. ۲۳ سال جنگ، اشغال و هزینه، پایان خود را در خروج آخرین نیروها نشان می‌دهد؛ اما آزمون واقعی حاکمیت عراق از روز بعد آغاز می‌شود؛ اینکه بغداد تا چه اندازه بتواند بدون حضور نظامی آمریکا، استقلال تصمیم‌گیری امنیتی و سیاسی خود را حفظ کند.



ماهور رضایی

روزنامه‌نگار



اهرمی که از دست رفت

امریکا از فرصت چانه‌زنی به دست آمده استفاده کرد، آن هم در شرایطی که خود به مذاکره نیاز داشت. در واقع، ایران ابزار فشار خود برای وادار کردن آمریکا به آغاز مذاکره را که به خوبی طراحی و مدیریت کرده بود، با چرخش ناگهانی و ورود به فرآیند مذاکره از دست داد. کارتی که می‌توانست در اختیار ایران باقی بماند، به آمریکا واگذار شد و در نهایت، به ابزاری برای فشار و باج‌گیری آمریکا تبدیل شد.

تجربه برجام

دلیل اول، واگذاری یک طرفه و شتاب‌زده امتیازات هسته‌ای در برجام، در برابر تعهدات اجرا نشده آمریکا در زمینه رفع تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده بود که زمینه را برای شکل‌گیری رویکردی فراهم کرد که آمریکا امروز از همان تجربه به عنوان اهرم تهدید در مذاکرات استفاده می‌کند.

به جز تجربه برجام، درخواست‌های مکرر ایران در ازای بدعهدی‌های مکرر آمریکا، بدون ایجاد تغییری محسوس در معماری مذاکرات و بازنمایی پرخطای این تصور که آمریکا در نهایت به این درخواست تن خواهد داد، سبب این تحول ماهیتی شده است. در مسیر مذاکرات اسلام‌آباد، رفتارهای تهدیدآمیز و خلف وعده‌های آمریکایی در قبال مفاد تفاهم‌نامه نشان داد که واشنگتن قطعاً به تعهدات خود پایبند نخواهد ماند و اقداماتش بیشتر با هدف کاهش فشار ناشی از افزایش قیمت‌ها و تبعات تنگه‌هرمز است. از جمله در موضوعاتی مانند توقف حملات و رفع تحریم‌ها در جبهه‌های مختلف. در عین حال اما حلقه مذاکره‌کننده‌ها و تیم‌های رسانه‌ای طرفدار مذاکره چون جوان با تیتروژه قطر دائماً این گزاره باطل را پمپاژ و جامعه را امیدوار می‌کردند که ایران به‌زودی به خواسته‌های خود از جمله آزادسازی پول‌های بلوکه شده دست خواهد یافت. این در حالی بود که نه

شواهد نشان می‌دهد تقلاً برای در اختیار قرار گرفتن پول‌های بلوکه شده از طریق تفاهم با ترامپ بی‌فایده است

سراب آزادسازی اموال بلوکه شده

یکی از پرتکرارترین مطالبات برآورده نشده ایران که همواره در هر نوع مذاکره‌ای جزا ولایت‌ها قرار داشته، آزادسازی اموال بلوکه شده ایران است. اما تاریخچه و سابقه رفتار آمریکا در قبال این درخواست تهران، یک‌گزینه جدی را مطرح می‌کند و آن اینکه واشنگتن از آن به عنوان ابزار فشار از آن استفاده کرده است و اخیراً از آن به عنوان ابزار تهدید استفاده می‌کند.

واقع، هیچ کشوری ابزار پرسود تهدید که می‌تواند فشارها را افزایش داده و منجر به تغییر رفتار طرف مقابل شود، حذف نمی‌کند. همان‌طور که ونس تهدید کرده بود، ایران باید در گام نخست امتیازاتی بدهد تا به جای اقدام عملی برای آزادسازی پول‌های بلوکه شده، روندی از درخواست‌های آمریکا، از جمله مذاکره، کلید زده شود. از این رو، تداوم سیاق مذاکرات کنونی که بر اقدام اولیه ایران و بدون هیچ تضمینی بنا شده، کشور را وارد چرخه‌ای از «مذاکره، عدم تعهد و تهدید و مذاکره» کرده که حاصل آن افزایش تهدید، حملات مکرر به خاک کشور، اصرار بر نقض تعهدات و افزایش فشار محاصره چون قطع پروازهای بین‌المللی و در نهایت طرح درخواست‌های گستاخانه مانند نابودی توان هسته‌ای است. در حالی که منطقی بود تهران در واکنش به این تهدیدها مذاکرات را متوقف کند. در نتیجه، تداوم سیاست مذاکراتی ایران توانسته این تصور را ایجاد کند که فشار و تهدید نتیجه‌بخش است. مسئله‌ای که زمینه‌ساز حمله نظامی نیز می‌شود.

در نهایت، رفتار آمریکا نشان می‌دهد که این کشور پول‌های بلوکه شده را برگ برنده دائمی و ابزاری برای فشار و تهدید می‌داند و هیچ‌گاه آن را آزاد نخواهد کرد. ابزاری که با تداوم درخواست ایران، ارزش چانه‌زنی بیشتری برای واشنگتن پیدا کرده است. در مقابل، ایران نیز راه حلی دارد و آن اینکه آزادسازی پول‌های بلوکه شده را در پیش شرط‌های خود بگنجاند اما این نیز دچار یک اشکال اساسی است که در ادامه مطرح می‌شود.

مردودی دیپلماسی مذاکره‌کنندگان در آزمون پیش شرط گذاری

پس از وقعه جنگ در فروردین ماه، قالبیاف با انتشار توثیقی نوشت: «۲ مورد از اقداماتی که مورد توافق طرفین قرار گرفته بود، هنوز اجرایی نشده است؛ برقراری آتش‌بس در لبنان و آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده ایران پیش از آغاز مذاکرات، این دو موضوع باید پیش از شروع مذاکرات محقق شوند.» اما بدون آنکه هیچ اقدام عملی مثبت در عملکرد آمریکا در خصوص پول‌های بلوکه شده انجام گیرد، ایران پیش شرط خود را کنار گذاشت و آغاز مذاکرات با آمریکا را کلید زد. بی تردید، این رفتار نوعی عقب‌نشینی در مورد خواسته اولیه ایران در مذاکرات تلقی می‌شد و آمریکا را برای گرفتن امتیاز امیدوار تر می‌کرد. در واقع، درخواست آزادسازی پول‌های بلوکه شده از یک «پیش‌شرط» به یک «موضوع مذاکراتی» تقلیل یافت. به این معنا که مطالبه‌ای که قرار بود پیش از آغاز روند مذاکرات محقق شود، خود به بخشی از دستور کار چانه‌زنی در میز مذاکره تبدیل شد.

راستی آزمایی انجام شده و نه تضمینی وجود داشت و همه چیز صرفاً پرونده‌های پوچ طرف آمریکایی استوار بود. در نتیجه، رصد این فضای کاذب و خوشبینانه از سوی آمریکا، کاخ سفید را به ارائه وعده‌های بیشتر به ایران ترغیب می‌کرد تا با ورود و بازی فریبکارانه میانجی‌ها در میز مذاکره، ایران را متقاعد کند که امتیازاتی حتماً در راه است. رویکردی که در نهایت

موفق بود. آمریکا با استفاده از این فرصت، نه تنها اقدامی در این زمینه انجام نداد، بلکه با وارد کردن قطر به بازی با نتیجه از پیش تعیین شده، ایران را ناکام گذاشت و امتیاز رفع پیامدهای بسته شدن تنگه هرمز را از آن خود کرد. با وجود این ناکامی و بی‌اعتنایی به عبرت‌های گذشته، ایران بار دیگر به قطروعه‌های آمریکا متوسل شده است. طی هفته گذشته، عراقچی اعلام کرد ایران از طریق قطر یک طرح هفت‌روزه برای پایان جنگ ارائه کرده که طبق گزارش‌ها، یکی از شروط تهران آزادسازی حدود ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه شده ایران است. در مقابل، ایران تعهد داده تنگه هرمز را بازگشایی کند و مذاکرات درباره مسائلی چون هسته‌ای را آغاز کند. از این رو، تداوم الگوی درخواست مکرر در برابر نقض‌های مکرر، در نهایت درخواست برای آزادسازی پول‌ها را از یک ابزار چانه‌زنی به ابزاری برای تهدید برای آمریکا تبدیل کرده است.

اهرم باج‌گیری آمریکا

مورد سوم، به خصوص ذاتی آمریکا و تناقض میان هدف فروپاشی ایران و آزادسازی منابع مالی بازمی‌گردد. برخی مقامات دولتی از جمله پزشک‌های از خسارات گسترده وارد شده به زیرساخت‌های کشور در جریان حملات آمریکا و ضرورت بازسازی آنها سخن گفته‌اند. برخی مانند وزیر راه می‌گویند که چون رادار نداریم ذهنی هواپیماها را هدایت می‌کنیم. در چنین تصویری که ایران ضعیف نشان داده می‌شود، آمریکا خود را به هدف نابودی کشور نزدیک‌تر می‌بیند. از این رو، آزادسازی منابع مالی که می‌تواند به ترمیم اقتصاد، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده و بازپایی توان نظامی کمک کند، با راهبرد فشار حداکثری و تضعیف توان ایران در تعارض قرار می‌گیرد. به تعبیری در این شرایط، آمریکا ابزار فشار خود را کند نخواهد کرد.

تبدیل شدن اموال بلوکه شده به اهرم تهدید، ایران را با مشکلات دیگری رو به رو کرده است چرا که ترامپ پول‌های بلوکه شده را اهرم باج‌گیری از ایران کرده و هرگز آن را از دست نخواهد داد. در

از دیدار پزشک‌یان با پسر شیخ تا گستاخی جدید امارات درباره جزایر ایرانی

جسارت امارات در سایه ساده‌اندیشی دولت

سه‌گانه توسط ایران شد. همزمان سفر محرمانه نتانیاهو به ابوظبی و نشست‌های متمرکز بر جنگ بعدی علیه ایران، انفعال عجیب دولت در برابر امارات را به نقطه کانونی نقد تحلیلگران تبدیل کرده است.

کمتر از یک ماه پیش مسعود پزشک‌یان در موضعی ساده لوحانه و نسنجیده با فرزند شیخ ابوظبی دیدار کرد و از گفت‌وگوی خوب و کنار گذاشتن گذشته سخن گفت. هنوز یک ماه نگذشته که وزیر امارات در سازمان ملل خواستار پیگیری اشغال جزایر



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

نگرانی‌ها بیشتر شده است

در داخل کشور اما، انفعال عجیب نسبت به امارات موجی از انتقاد برانگیخته است. مهدی خراتیان در این باره نوشت: «وقتی برای بالا نرفتن تنش، تعمداً از خرج‌های پایین انفجاری در حمله به کشتی‌ها استفاده کنید تا مبدا ملوانی بمیرد یا نفت به دریا بریزد و محیط زیست آلوده شود و امارات و عمان ناراحت شوند، ملوان تا خرخره تطمیع شده با کشتی اسقاطی هر طور شده خود را به آن سوی تنگه می‌رساند. این مماشات بی جا بهای بسیار سنگینی دارد که حداقل آن جا افتادن گزاره ناتوانی ایران در اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز و به هم خوردن موازنه مذاکرات به نفع ترامپ است، اما بعید نیست که تاوان این اشتباه با ریخته شدن خون کشتی‌ری از هم‌میهنان ما پرداخت شود.»

حتی مجید شاکری، از تیم مشاوران قالیباف نیز با انتقاد از روند جاری در خصوص امارات اظهار داشت: «امارات یک جریان انتقال نفت دولتی راه انداخته است؛ یعنی تعداد زیادی کشتی شاتل کوچک سباز که در این مسیر حرکت می‌کنند و نفت را از این سوی تنگه به آن سوی می‌برند. با این منطق، چون انتقال دولتی است، سؤال بیمه ندارد و کل ریسک را خود دولت ابوظبی برداشته و به منطق شما حمله می‌کند. این موضوع بسیار مهم‌تر از آن است که چند میلیون بشکه نفت جا به جا شود.

این منطق از چند لحاظ به ضرر امنیت ملی ماست. نخست اینکه نفت را منتقل می‌کند و به طرف آمریکایی فاکتور می‌دهد که ببین من دارم نفتکش را به نیابت از تو عبور می‌دهم. دوم اینکه اتفاقاً دلش می‌خواهد ایران شروع کند و این شاتل‌ها را بزند، چرا که وقتی کشتی شاتل زده شود، جایگزین می‌کند و تنش را روی این شاتل‌ها ننگ می‌دارد و دیگر تنش را با ایران در خاک امارات و دبی تعریف نمی‌کند. حتی شبی وجود داشته که در طی یک ماه گذشته ایران در یک شب سیزده کشتی شاتل را

زده و اماراتی اصلاً ناراحت نشده است. «تقریباً قریب به اتفاق تحلیلگران و حتی بسیاری از افراد نزدیک به جریان وفاق قالیباف-پزشک‌یان-روحانی و مدافعان تفاهم اسلام‌آباد نیز از انفعال عجیب در سیاسیون که منجر به ترمیزی برای نیروهای مسلح در خصوص تنبیه امارات نیز شده برآشفته و در تعجب هستند. امارات علاوه بر پشتیبانی تمام کمال از اسرائیل و آمریکا در جنگ ۳۹ روزه، و علاوه بر گمانه‌زنی‌هایی که حاکی از شرکت مستقیم این کشور کوچک اما جاه طلب در حملات به خاک ایران است، در طی هفت ماه سپری شده از آن جنگ از هر اقدامی علیه ایران فروگذار نکرده است.

موضعی خطرناک در حساس ترین شرایط

برخی تحلیلگران معتقدند در این میان، موضع خطرناک مسعود پزشک‌یان که تحت سلطه اصلاح طلبان بروی و عدم تسلط او بر گفتار صورت گرفته، و همچنین وجود لابی پر قدرت امارات که به وسیله تراستی‌ها و فاسدین اقتصادی جریان اصلاح طلب سعی بر فشار بر مسئولین در جهت استثنای امارات از پاسخ‌های کوبنده ایران دارند، منجر به این شده که امارات با جسارت تمام و با استفاده از روش پول پاشی نجومی و کشتی‌های شاتل دولتی که مشکل ریسک بیمه‌های خصوصی کشتیرانی را ندارند و همچنین روش کشتی به کشتی (STS)، حجم زیادی از نفت را از تنگه هرمز عبور دهد و به موازات با استفاده از خط لوله حبشان-فجیره نیز بنابر ادعاها تا یک میلیون و نیم بشکه نفت منتقل کند.

همه نشانه‌ها حاکی از قریب الوقوع بودن دور جدید جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران هستند و هرگونه مماشات با امارات می‌تواند منجر به خسارت‌های راهبردی به کشور شود؛ خسارتی که بانی و مقصر آن افرادی هستند که به واسطه لابی امارات و رابطه امارات با الیگارش‌ها و آقازادگان، این کشور را از فهرست پاسخ‌های کوبنده ایران حذف کرده‌اند.

یادداشت

نیویورک تمام شد؛ ساده‌اندیشی نه

علی حق سرشت
روزنامه‌نگار

با بازگشت عراقچی از سفر نیویورک، پرونده حضور رئیس‌جمهور و وزیر خارجه در نشست امسال مجمع عمومی سازمان ملل نیز بسته شد؛ اکنون می‌توان با فاصله گرفتن از هیاهوی تبلیغاتی، نگاهی به کارنامه این سفر انداخت؛ کارنامه‌ای که نه تنها دستاورد قابل اعتنایی برای کشور به همراه نداشت، بلکه در مواردی با مواضع و پیام‌هایی همراه شد که هزینه‌های آن از منافع احتمالی سفر بیشتر بود.

نگرانی درباره این سفر از همان ابتدا جدی بود. پس از مواضع نسنجیده پزشک‌یان در اجلاس بریکس و اجلاس شانگهای، نگرانی ملت ایران از تکرار همان رویکرد در آمریکا افزایش یافت. بسیاری از صاحب‌نظران هشدار داده بودند که در شرایطی که طرف مقابل صراحتاً زبان تهدید و فشار را در پیش گرفته، سفر نیویورک می‌تواند بیش از آنکه فرصت باشد، به بستری برای ارسال پیام‌های نادرست تبدیل شود. روند تحولات نیز نشان داد این نگرانی بی‌دلیل نبود.

شاید تنها نقطه قابل دفاع سفر، سخنرانی پزشک‌یان در مجمع عمومی بود؛ آن‌هم با این توضیح مهم که متن اولیه‌ای که جریان برجرامی برای او آماده کرده بود کنار گذاشته شد و متنی متضاد، در واکنش به اهانت‌ها و تهدیدهای تند ترامپ، جای آن را گرفت. سخنرانی البته خالی از ایراد نبود، اما با مقایسه آن با مواضع دیگر پزشک‌یان، همین تفاوت قابل توجه است و می‌توان از آن به عنوان تنها بخش قابل قبول سفر یاد کرد. اما این استثنا دوام چندانی نداشت. گفت‌وگوی پزشک‌یان با فاکس نیز نشان داد سخنان نسبتاً قابل قبول او در سازمان ملل بیش‌تر یک استثنا بوده است. پزشک‌یان در این گفت‌وگو از آمادگی برای انتقال با رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد، پذیرش بازرسی از سایت‌های هسته‌ای، مذاکره برای رسیدن به توافق پیش از انتخابات آمریکا و تمایل ایران به جلب رضایت واشنگتن سخن گفت؛ حتی شرایط کشور را «بد و بی‌سابقه» توصیف کرد و تأکید داشت ایران به دنبال کشتن ترامپ نبوده و نیست. گویی بلافاصله پس از سخنرانی سازمان ملل، پزشک‌یان به همان تنظیمات قبلی بازگشت.

همزمان، گزارش‌های رویترز، الجزیره و فرناز فصیحی درباره طرح هفت ماده‌ای ایران برای ترامپ منتشر شد؛ طرحی که در امتداد همان امید بستن به تفاهمی بود که حتی خود آمریکایی‌ها از عان داشتند تنها برای فریب ایران بود. پاسخ رد واشنگتن و استمرار تهدیدها، در کنار گزارش وال استریت ژورنال درباره دستور ترامپ برای ازسرگیری حملات در هفته‌های آتی، بار دیگر واقعیت میدان را مقابل خوش‌بینی مذاکره‌محور قرار داد.

در چنین شرایطی، عراقچی حتی پس از اعلام رسمی ترامپ درباره رد پیشنهاد ایران، همچنان منتظر پاسخ میانجی‌گری قطر بود؛ همزمان اسکات بنست از محاصره هوایی ایران سخن می‌گفت و ترامپ نیز تهدیدهای خود را تکرار می‌کرد.



میوه تلخ خوش‌بینی به ابوظبی

از دیدار پزشک‌یان با پسر حاکم ابوظبی که رسانه‌های دولتی به اشتباه ولیعهد معرفی کردند، تا ادعای مجدد امارات بر جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی در مجمع عمومی سازمان ملل فاصله کوتاهی دارد. سفر اخیر نتانیاهو به ابوظبی، دیدار با بن‌زاید و حضور نمایندگان عرب در نشست‌های جنگ علیه ایران، همراه با انفعال داخلی، نشان از محاسبات خطرناک و لابی قدرتمند امارات در میان غرب‌گرایان دارد.

اسکار و دیگی که برای ما نمی جوشد!

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

مهلت ارسال فیلم به بخش خارجی زبان اسکار هشتم مهر به اتمام می‌رسد و هنوز هیچ خبری از معرفی نماینده ایران به آکادمی نشده است. این موضوع یعنی با توجه به تغییر قوانین آکادمی و عدم الزام اسکار برای پذیرش نماینده رسمی از کشورها در بخش غیرانگلیسی زبان، ممکن است فیلمی از سینمای زیرزمینی وارد رقابت‌های اسکار بشود که با معیارهای ما نخواند. این نقطه‌ای است که باید در موردش تصمیم‌گیری کرد. می‌شود کلاً قید اسکار را زد و روی تولید مشترک و ایجاد بازار فیلم‌های داخلی در کشورهای شرقی مثل چین، پاکستان، روسیه، عراق، عمان و سایر کشورها تأکید کرد و می‌شود همچنان رویه سابق را ادامه داد. با این تفاوت که پیگیری رویه سابق چندان نمی‌تواند کارگشا باشد، چون اسکار دیگر هیچ الزامی به قبول فیلم‌های سینمای رسمی ما ندارد و خیلی راحت می‌تواند حق فیلمسازان داخلی را بخورد.

سوا این، چرا بنیاد فارابی، سازمان سینمایی و خانه سینما هیچ واکنشی نسبت به از دست رفتن فرصت ایران برای معرفی اثر به اسکار نشان نمی‌دهند و تکلیف این مسئله را روشن نمی‌کنند؟ البته باید گفت، خبرهایی به گوش می‌رسد که فیلم سرزمین فرشته‌ها به عنوان نماینده ایران در ساعات پایانی مهلت ارسال اثر قرار است معرفی بشود، اما سرنخوه اعلام، خانه سینما و بنیاد فارابی به اختلاف برخوردند و هرکدام خودشان را برای این مسئله محق می‌دانند.

از طرف دیگر غذای نيمروز ساخته مجید مجیدی هم اگر بتواند در جشنواره بوسان جایزه بهترین فیلم را به دست بیاورد می‌تواند به صورت مستقل وارد جوایز اسکار بشود. بی‌تردید مسکوت طولانی نهادهای مسئول تنها به ضرر سینمای ایران تمام خواهد شد و فرصت‌های طلایی را از دست می‌دهد. ما نیازمند یک استراتژی منسجم و دوراندیشانه هستیم تا بتوانیم در عرصه بین‌المللی حرفی برای گفتن داشته باشیم.

تمرکز بر بازارهای منطقه‌ای یک انتخاب هوشمندانه و کاملاً منطقی به نظر می‌رسد که می‌تواند درآمدزایی قابل توجهی را برای سینماگران ما به همراه داشته باشد. در نهایت باید دید که آیا مسئولان امر در همین ساعات باقی‌مانده به یک اجماع منطقی در باب باز کردن جاده به‌منظور حضور جهانی سینمای ایران در بازارهای کشورهای دوست خواهند رسید یا باز هم حاشیه‌ها بر متن سینما غلبه خواهند کرد.

فراموش نکنیم که اعتبار فرهنگی یک کشور در گرو تصمیمات درست و به‌موقع مدیران آن است و زمان زیادی برای آزمون و خطا در اختیار ما باقی‌نمانده است. امیدواریم در نهایت شاهد یک تصمیم‌گیری عاقلانه باشیم که شائبه‌های موجود را برطرف سازد و مسیر روشن و مشخصی را پیش روی اهالی هنر و سینما قرار دهد تا بتوانیم با افتخار و سربلندی در عرصه جهانی حضور پیدا کنیم و موفق شویم.

سی‌وهشتمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان به یاد شهدای میناب برگزار می‌شود

جشنواره کودک و نوجوان رنگ میناب به خود گرفت

به بخش ملی جشنواره، ۱۱۷ اثر به موضوعاتی چون مدرسه شجره طیبه میناب، جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان پرداخته‌اند؛ رقمی معادل حدود ۱۵ درصد کل آثار. حامد جعفری، دبیر جشنواره، هم‌زمان از افزایش چشمگیر مشارکت فیلم‌سازان و تلاش برای بازگرداندن شور و نشاط جشنواره به اصفهان سخن گفته است. در کنار این رویکرد، بنیاد سینمایی فارابی نیز مسیر تبدیل روایت میناب به فیلمنامه‌های سینمایی را آغاز کرده است.

سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، در حالی از ۱۶ تا ۱۶ مهرماه در اصفهان برگزار می‌شود که «میناب» از یک نام در اخبار جنگ به یکی از محورهای اصلی این رویداد سینمایی تبدیل شده است. بخش ویژه میناب به یاد دانش‌آموزان مدرسه شجره طیبه طراحی شده و قرار است آثاری را که به کودکان و پیامدهای جنگ می‌پردازند، در قالب‌های مختلف مورد توجه قرار دهد. این تصمیم در شرایطی گرفته شده که از میان ۷۷۱ اثر رسیده



سعید مصباح
روزنامه‌نگار

در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، «میناب» تنها یک بخش جنبی نیست؛ قرار است به یکی از نشانه‌های اصلی دوره‌ای تبدیل شود که سینمای کودک را در مواجهه با تجربه جنگ قرار داده است. بر اساس اعلام دبیرخانه، بخش ویژه‌ای با محوریت شهدای کودک مدرسه شجره طیبه میناب تعریف شده و برای آن تدیس و پوستر اختصاصی نیز طراحی شده است. حامد جعفری گفته است این بخش به یک قالب سینمایی محدود نیست و آثار مختلف جشنواره با موضوع کودکان میناب در آن بررسی و تقدیر می‌شوند.

اهمیت این بخش را می‌توان در آمار آثار رسیده نیز دید. طبق اعلام سیمون سیمونیان، مدیر دبیرخانه جشنواره، ۷۷۱ اثر در بخش ملی ثبت شده است؛ ۴۶ فیلم بلند داستانی، ۲۸۶ فیلم کوتاه داستانی، ۱۷۶ پویانمایی کوتاه، ۵۰ مستند کوتاه و ۱۰۷ اثر مبتنی بر هوش مصنوعی. از این مجموعه، ۱۱۷ اثر به مدرسه شجره طیبه میناب، جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان پرداخته‌اند. این ۱۱۷ اثر حدود ۱۵.۲ درصد کل آثار ثبت‌شده را تشکیل می‌دهند؛ نسبتی که نشان می‌دهد موضوع جنگ و کودکان در تولیدات امسال حضور قابل توجهی پیدا کرده است.

جعفری همچنین میزان استقبال از بخش ملی را در مقایسه با دوره‌های گذشته کم‌سابقه توصیف کرده و گفته تعداد آثار ارائه‌شده تقریباً دو برابر میانگین سال‌های گذشته بوده است. او در عین حال درباره وضعیت سینمای کودک گفته است که این سینما در سال‌های گذشته به تعبیر او به «شهروند درجه دو» سینمای ایران تبدیل شده است.

میناب اما فقط در سطح جشنواره متوقف نمانده است. بنیاد سینمایی فارابی پیش از آغاز

خاک خوری پشت اکران!

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

شش ماه از سال ۱۴۰۵ گذشته و سینمای ایران وارد نیمه‌ای شده که معمولاً برای اکران فیلم‌ها چندان سخاوتمند نیست. هر چه به جشنواره فیلم فجر نزدیک‌تر می‌شویم، برنامه اکران فشرده‌تر و تصمیم‌گیری برای نمایش عمومی آثار پیچیده‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، فیلم‌هایی که آماده نمایش‌اند اما هنوز فرصت اکران پیدا نکرده‌اند، ممکن است ماه‌ها پشت در سینما بمانند؛ بی‌آنکه کسی پاسخ روشنی درباره سرنوشتشان داشته باشد.

مسئله فقط چند فیلم جامانده از جدول اکران نیست. پشت هر فیلم، سرمایه‌ای قرار دارد که برای تولید هزینه شده، گروهی از سینماگران ماه‌ها برای ساخت آن وقت گذاشته‌اند و در مواردی، اثر حتی در جشنواره‌های مختلف نیز به نمایش درآمده است. با این حال، مسیر فیلم از جشنواره تا اکران عمومی گاهی همان جایی متوقف می‌شود که باید تازه ارتباطش با مخاطب آغاز شود.

اینجا یک پرسش مهم شکل می‌گیرد: چه کسی مسئول پیگیری اکران این آثار است؟ به خصوص درباره فیلم‌هایی که با حمایت نهادهای فرهنگی و مجموعه‌های رسمی ساخته شده‌اند. اگر یک نهاد برای تولید فیلم هزینه می‌کند، چرا در مرحله نمایش عمومی همان اثر، مطالبه‌گری و پیگیری مشابهی دیده نمی‌شود؟ حمایت از تولید بدون تضمین یا دست‌کم پیگیری جدی برای اکران، در نهایت می‌تواند سرمایه‌گذاری فرهنگی را نیمه‌کاره بگذارد.

البته سوی دیگر ماجرا هم اهمیت دارد. در نیمه نخست سال، گیشه نشان داده که صرف تولید و حتی برخورداری از حمایت‌های مختلف، الزاماً به معنای استقبال مخاطب نیست. مردم برای برخی فیلم‌ها صف کشیده‌اند و برخی آثار با وجود هزینه و تبلیغات، نتوانسته‌اند سهم قابل توجهی از بازار را به دست آورند. بنابراین برای شناخت وضعیت واقعی سینما باید هم تعداد فیلم‌های اکران‌نشده را دید و هم آمار فروش و تعداد مخاطبان را.

در ماه‌های آینده نیز فیلم‌هایی مانند «بت» نعمت‌الله «خواب» مانی مقدم به چرخه اکران اضافه خواهند شد. اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست: چرا سینمایی که برای تولید فیلم هزینه می‌کند، در رساندن محصول نهایی به تماشاگر تا این اندازه گرفتار است؟

فیلمی که ساخته شده اما دیده نمی‌شود، فقط یک عنوان خاک‌خورده در آرشیو نیست؛ سرمایه‌ای است که بازنگشته و مخاطبی است که فرصت تماشای آن را از دست داده است. اکران، حلقه آخر زنجیره تولید نیست؛ جایی است که اساساً مشخص می‌شود سرمایه‌گذاری سینمایی توانسته به مخاطب برسد یا نه.

بلکه به‌وضوح در حال تخریب سرمایه اجتماعی و هنری او هستند. بازی در فیلم‌هایی با مایه‌های سخیف و سطحی مانند قیف، صدام و خانوم‌والده، نشان‌دهنده افت شدید در انتخاب پروژه‌هاست.

این آثار فاقد هرگونه ارزش هنری بوده و صرفاً با هدف کسب درآمد سریع ساخته شده‌اند. ادامه این روند، لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به میراث درخشان عطاران وارد می‌کند. به نظر می‌رسد بهترین و منطقی‌ترین راهکار برای حفظ آبرو و بازگرداندن جایگاه از دست‌رفته، بازگشت به رسانه ملی است. تلویزیون همچنان بستر مناسبی برای درخشش استعداد کم‌نظیر اوست و بازگشت به این مدیوم می‌تواند از فرسایش بیشتر اعتبار او جلوگیری کند و چهره واقعی او را به مخاطبان بازگرداند تا بار دیگر شاهد درخشش او در قاب تلویزیون باشیم، از تماشای آثار ضعیف رنج نبریم.



رضا عطاران سال‌ها با خلق شخصیت‌های ماندگار در رسانه ملی، جایگاه ویژه‌ای در قلب مخاطبان پیدا کرد و اعتبار هنری بی‌نظیری برای خود ساخت. اما متأسفانه سال اخیر، مسیر هنری او به سمت آثاری سینمایی سوق پیدا کرده است که نه تنها در شأن این بازیگر توانمند نیستند،

روزی روزگاری عطاران!